

می دانست اگر پروژه‌ای را قبول کنم یعنی توانایی انجامش را دارم. بدون این اعتماد و دوستی، ساخت «بچه مردم» ممکن نبود.

به نظر شما عامل اصلی موفقیت فیلم چه بود؟
بچه‌هایی که سوژه فیلم شدند. آنها ناشناخته و گمنام بودند و به همین دلیل حضورشان در فیلم تأثیر ویژه‌ای گذاشت. به نظرم این بچه‌ها بودند که روح تازه‌ای به فیلم دادند.

نریشن‌های فیلم هم خیلی مورد توجه قرار گرفت. چه شد که به این شکل از روایت رسیدید؟
هنگام نگارش فیلمنامه به همراه خانم یارمحمدی متوجه شدیم شخصیت اصلی‌مان درون گراست. انسان‌های درون‌گرا بیشتر با خودشان حرف می‌زنند. بهترین راه برای نشان دادن این لایه شخصیتی در سینما، نریشن است. اما نمی‌خواستیم نریشن بار روایت را به دوش بکشد یا به یک راه فرار تبدیل شود. به همین دلیل بارها بازنویسی کردیم تا در نهایت شکل درستش را پیدا کردیم.

دوست داشتید پیام خاصی هم از دل فیلم بیرون بیاید؟
در مواجهه با این سوژه، بیش از هر چیز می‌خواستیم از هویت و شناخت خود حرف بزنیم. کم‌گشتگی مسئله همه انسان‌هاست و عمری به اندازه تاریخ دارد. فکر می‌کنم همین موضوع باعث شد ارتباط مخاطب با فیلم این قدر گسترده باشد.

انتظار چنین موفقیت‌هایی را داشتید؟
راستش نه به این اندازه. اما در جریان تولید آن قدر اتفاقات عجیب پیش آمد که صادقانه منتظر اتفاقات عجیب بعدی هم بودیم. بنابراین خیلی غافلگیر نشدیم. فیلمسازی همیشه با شگفتی همراه است.

کمی درباره این شگفتی‌ها توضیح می‌دهید؟
تعدادشان آن قدر زیاد بود که شاید باورش سخت باشد. از موانع سخت تولید گرفته تا انتخاب بازیگر یا گره‌های فیلمنامه که ناگهان باز می‌شد. پیدا شدن نوجوان‌هایی که ترکیبشان همان چیزی بود که می‌خواستیم، همه این‌ها بخشی از معجزه سینماست. حتی وقتی همه اصول فیلمسازی رعایت شود، باز هم موفقیت فرمول مشخصی ندارد. همیشه چیزی فراتر از دانش لازم است.



است. این کار محاسبه و مهارت زیادی می‌خواهد و از دست هر کسی بر نمی‌آید. خودم مدعی ساخت کم‌دی نیستم و «بچه مردم» را هم کم‌دی نمی‌دانم. از همان ابتدا در توضیح لحن فیلم فقط می‌گفتم، شوخ طبع و سرحال است.

درباره همکاری با تهیه‌کننده فیلم هم بگویید.
من و آقای احمدی از فصل سوم «خندوانه» با هم آشنا شدیم و همکاری‌مان هر روز عمیق‌تر شد. همین شناخت و اعتماد بود که باعث شد او حاضر شود ریسک تولید اولین فیلم بلند من را بپذیرد. ایشان

آیا قصد دارید در ژانر اجتماعی بمانید یا سراغ ژانرهای دیگر هم بروید؟
برای من بیش از ژانر، جذابیت اثر اهمیت دارد. اینکه تماشاگر بعد از دیدن فیلم حس نکند وقتش تلف شده، برایم مهم‌ترین مسئله است. البته قصه اجتماعی برایم جذاب است، اما اگر موضوع دیگری هم چنین کیفیتی داشته باشد، سراغش می‌روم.

در بخشی از فیلم شما طنزی لطیف وجود دارد. به نظرتان رسیدن به طنز درست چه سختی‌هایی دارد؟
خندانند مردم کاری بسیار سخت و البته لذت‌بخش

یکی از ویژگی‌های «بچه مردم» تعادل در روایت و پرهیز از تکنیک‌زدگی است. این تعادل چطور شکل گرفت؟
گرچه این اولین فیلم بلند من بود، اما حاصل ۲۵ سال تجربه در حوزه‌های مختلف فیلمسازی است. شاید فیلم اولی باشم، اما کار اولی نیستم. در این سال‌ها تجربه‌های متنوعی داشته‌ام؛ از ساخت یک سریال سی‌وچهار قسمتی در شبکه نسیم گرفته تا ساخت کلیپ و تیزر، و البته حضور در برنامه «خندوانه». همه این‌ها مثل یک کارگاه عملی بودند که به من آموختند چطور روایت را در حد اعتدال نگه دارم. همچنین در سینما به‌عنوان کارگردان یونیت دو تجربه‌هایی داشتم. به همین دلیل وقتی به سراغ «بچه مردم» رفتم، همه آن تجربه‌ها در خدمت ساخت فیلم قرار گرفت.

چرا این قدر دیر سراغ فیلمسازی آمدید؟
از نوجوانی فیلم کوتاه ساخته بودم. حتی قرار بود در نوزده سالگی نخستین فیلم بلندم را بسازم. تلاش‌های زیادی هم کردم، اما نشد. سال‌ها گذشت و گاهی ناامید شدم، ولی هدف هیچ‌وقت از ذهنم بیرون نرفت. فیلمنامه‌هایی نوشتم، تا پای پیش تولید رفتم، اما شرایط مهیا نشد. به نظرم در این «نشدن‌ها» خیر و صلاحی بود. وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم اگر زودتر فیلمی ساخته بودم و آن فیلم شکست می‌خورد، شاید از سینما سرخورده می‌شدم. اما حالا در چهل و دوسالگی، وقتی اولین فیلمم ساخته شد و توانست رضایت مخاطبان و منتقدان را جلب کند، می‌گویم این تأخیر ارزشش را داشت.

مهم‌ترین دغدغه‌تان در فیلمسازی چیست؟
قصه‌گویی، من دوست دارم فیلمی بسازم که مخاطب را با تجربه و دنیای تازه‌ای آشنا کند. قصه‌ها هزاران فایده دارند و اولینشان سرگرمی است. من کاری جز این حرفه نکرده‌ام و بلد نیستم؛ بنابراین تمام تلاشم این است که از عمر و زمان صرف‌شده در این مسیر برای ساخت فیلم‌های به‌دردیخور استفاده کنم.

یادداشت

پس از گفت‌وگو با محمود کریمی و بررسی تجربیات او در ساخت «بچه مردم»، روشن می‌شود که این فیلم فراتر از یک اثر برنده جایزه است و جایگاهی ویژه در مسیر سینمای کودک و نوجوان ایران یافته است.

چرا «بچه مردم» چراغ سینمای کودک و نوجوان را روشن نگه داشته است؟ فیلم «بچه مردم» پیش از این در جشنواره فجر با دریافت سیمرغ‌های بهترین کارگردانی اول، بهترین تدوین و بهترین فیلمنامه، نگاه‌ها را به سوی خود جلب کرده بود و حالا در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان نیز خوش درخشیده است. اما آنچه این اثر را فراتر از یک «فیلم برنده» قرار می‌دهد، جایگاهی است که در بحث‌های جدی پیرامون آینده سینمای کودک و نوجوان ایجاد کرده است. محمود کریمی با «بچه مردم» نشان داد که تجربه‌های تلویزیونی و کارگاهی، اگر با نگاه دقیق و دغدغه‌مند به نوجوانان همراه شود، می‌تواند به زبانی سینمایی و تأثیرگذار بدل شود. این فیلم توانست هم‌زمان مخاطب نوجوان را به خود جذب کند و در عین حال منتقدان و کارشناسان را به تأمل وادارد؛ امری که کمتر در تولیدات اخیر این حوزه شاهد بوده‌ایم.

کریمی در گفت‌وگوهایش بارها تأکید کرده که سینمای نوجوان در ایران هنوز زبان مستقل خود را نیافته است. به باور او، باید به دنبال فرمول‌های تازه بود؛ فرمول‌هایی که نه تنها نوجوان امروز را نمایندگی کند، بلکه با تغییرات پرشتاب فرهنگی و اجتماعی این نسل هم‌خوانی داشته باشد. از همین رو، موفقیت

«بچه مردم» را می‌توان نه صرفاً یک پیروزی فردی، بلکه گامی در مسیر جست‌وجوی همین زبان تازه دانست؛ تلاشی برای بازتعریف رابطه سینما با نوجوانان. چراغ سینمای کودک و نوجوان در سال‌های اخیر کم‌سو شده است. تولیدات اندک، نگاه‌های بزرگسالانه و غیربومی، و کم‌توجهی به خواسته‌های نسل جدید باعث شده این حوزه فاصله‌ی معناداری با مخاطبان خود بگیرد. با این حال، فیلم‌هایی چون «بچه مردم» یادآور می‌شوند که این چراغ هنوز روشن است؛ چراغی که اگرچه لرزان به نظر می‌رسد، اما توان دوباره پر نور شدن را دارد. شرط آن، هم‌افزایی سه ضلع اصلی است: مدیران فرهنگی که باید برنامه‌ریزی و حمایت واقعی از این سینما را در دستور کار قرار دهند؛ فیلمسازانی که با شناخت عمیق از دنیای کودکان و نوجوانان به روایت‌های تازه دست بزنند؛ و مخاطبانی که با استقبال و همراهی‌شان مسیر این تلاش‌ها را هموار کنند.

شاید «بچه مردم» به‌تنهایی نتواند بار احیای کامل این حوزه را به دوش بکشد، اما بی‌تردید نشانه‌ای است از امکان‌های تازه‌ای که پیش روی سینمای کودک و نوجوان ایران قرار دارد. امکانی که اگر جدی گرفته شود، می‌تواند دوباره از سینمای ایران چهره‌ای بسازد که نه تنها در داخل کشور، بلکه در سطح بین‌المللی، مخاطب کودک و نوجوان را جذب کند و به گفت‌وگو با نسل آینده بپردازد.

